



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سوالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال پنجم - شماره ۱۲۴۲

صفحه ۴۲۸۲

۲ شنبه ۲ خرداد ماه ۱۳۲۸

فیر: سید محمد شمی

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۹۸

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

بقیه صورت مشروح مذاکرات صد و پنجاه و هفتمین

جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۱۵

۲ - آگهی های رسمی > ۱۷

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۵۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یک شنبه ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب

۱ - بقیه مذاکره در اطراف استیضاح

۲ - تعیین موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه .

یکساعت و پنجاه دقیقه قبل از ظهر مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید .

رئیس - صورت مجلس امروز نداریم دو نفر از آقایان میخواهند تذکراتی بدهند آقایان موافقت؟ (نمایندگان - بفرمایند) راجع باوضاع کردستان آقای عباسی میخواهند اظهاراتی بفرمایند آقای حاذقی هم بیاناتی دارند (جمعی از نمایندگان - دستور دستور) پس اجازه بفرمائید در جلسه آینده اول وقت صحبت بکنند (صحیح است) آقای دکتر اقبال .
دکتر اقبال (وزیر کشور) - بنده قبلا از اظهار

لطف و محبتیکه آقایان نمایندگان محترم ضمن بیانات آقای دکتر بقائی نسبت بانجانب اظهار فرمودند و ابراز فرمودند بسیار اسکنانم و این اظهارات آقایان کاملا بنده را مستغنی میکند از اینکه در پشت این تریبون راجع بقسمتی از مذاکرات آقای دکتر که در باب خودم بود يك توضیحاتی بدهم و از طرف دیگر هم چون در مملکت بایستی عمل کرد و حرف

جز ائتلاف وقت فایده ای ندارد بیاس تقاضای جناب آقای دکتر شفق که بایشان خیلی احترام میگذازم عرایض خودم را سعی خواهم کرد که خیلی کوتاه باشد (دکتر بقائی - بشرط اینکه جواب مدارک را هم مرحمت بفرمائید) از آقای دکتر بقائی هم بپوچوجه من الوجوه گله ای ندارم برای اینکه قبل از هر چیز بنده پزشک هستم و برایشان هم حرجی نیست ولی چون يك اشخاصی در خارج از مجلس ممکن است که بنده را نشانند اجازه میخواهم که چند کلمه ای با اینکه آقایانیکه باخلاق من آشنائی کامل دارند میدانند که از ظاهر بیزار هستم ولی در اینموقع لازم است که يك چند کلمه ای در اطراف خودم با اجازه آقایان عرض کنم خیلی هم معذرت میخواهم عمل بسیار قبیعی است ولی آقای دکتر بقائی مرا وادار کردند که اینکار را بکنم و از آقایان اجازه میخواهم

چند کلمه ای در اطراف خودم صحبت کنم (نمایندگان - بفرمائید) سن بنده در حدود چهل سال است و افتخار دارم که خدمت نظام وظیفه را انجام داده ام . دوره ابتدائی را در مشهد گذرانیدم و بموجب مدارکی که هست همیشه در کلاس و مدرسه جزء شاگردهای اول بودم . بعد از اینکه بتهران آمدم در هزار و سیصد در خدمت مرحوم پدرم که افتخار عضویت مجلس دوره چهارم را را داشت و خدا رحمتش کند برای اینکه همه آقایان خراسانیه و اغلب کسانی که او را میشناختند میدانند که مرد بسیار پاکتی بود (صحیح است) در مدت اقامت در تهران هم در مدارس علمیه ، ثروت ، دارالفنون تحصیل کردم و باز هم بشهادت همکلاسه هایم که اینجا هم خیلی خوشوقتیم که آقای دکتر عبده تشریف دارند همیشه جزو شاگردهای اول بودم در ۱۳۰۵ بخرج پدرم بارویا رفته و در دانشکده طب پاریس دوره طب را گذرانیدم و باز هم آنجا بدون اینکه خودستائی کرده باشم بعضی آقایان میرسانم که اول ایرانی بودم که بعد از جنگ ۱۹۱۴-۱۸ از دانشکده طب پاریس برای پایان نامه ای که در آنجا بهیئت قضات تقدیم کردم نشان درجه اول علمی گرفته ام و این برای بنده نهایت افتخار است و توانستم در يك محیط خارجی نشان بدهم که ایرانی ها هم قادر هستند که بیایه آن آقایانیکه سالیان دراز است که از همه حیث وسائل کارشان فراهم است برسند و در آنجا کار بکنند (صحیح است) بعد از مراجعت بایران بلافاصله در سال ۱۳۱۲ وظیفه ملی خودم را که عبارت از

این بقیه مذاکرات مشروح یکصد و پنجاه و هفتمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

خدمت مقدس نظام وظیفه است انجام دادم و همینطور که عرض آقایان رسانیدم من افتخار دارم که جزو صاحبمنصبان و افسران احتیاط ارتش شاهنشاهی ایران هستم بعد از یک مدت کوتاهی اقامت در مشهد بسمت ریاست بهداری مشهد ب طهران آمدم و نظر باینکه هتق فراوانی بکار تدریس و تعلیم داشتم و جناب آقای حکمت وزیر محترم خارجه اینجا شاهد هستند و شاید در آن مدت هم مزاحم ایشان شده ام بالاخره وارد دانشگاه تهران شدم و از سال ۱۳۱۸ تا الساعه که اینجا خدمت آقایان هستم افتخار اینرا دارم که جزو استادان دانشکده پزشکی تهران هستم و کرسی امراض بیماریهای عفونی تهران باینجانب محول است در سال ۱۳۲۱ بمعاونت وزارت بهداری برقرار شد آقایانیکه با بنده در وزارت بهداری چه از نقطه نظر و کالت مجلس برای حوزه انتخابیه شان ببنده مراجعه کرده اند شاهد هستند که در مدت دو سال که در وزارت بهداری بودم هرچه از دست بنده برمیآمد کوتاهی نکردم (صحیح است) بنده نمیخواهم خودستایی بکنم ولی معتقد هستم که وقتی انسان یک مسئولیتی را قبول کرد بایستی با وجدان پاک و با جدیت آنرا انجام بدهد (صحیح است) بنده همیشه در تمام وزارت خانه هائی که بودم آقایان باز شاهد و ناظر هستند که همیشه یک ساعت قبل از وقت در آنجا حاضر بودم البته این برای خودستایی نیست بلکه عقیده داشتم که هر موقعیکه لازم است برای کشور خدمت کردی دیگر ساعت نباید مورد اهمیت باشد و بعلاوه مرتب بودن یک رئیس قسمتی یک وزیر بباخت این خواهد شد که سرمشقی برای سایر کارمندان بشود بنده در هر وزارتخانه نمی که رفتم میتوانم ادعا بکنم که شاید البته نیکو بگویم عموماً ولی شاید کارمندان آن وزارتخانه سر ساعت در وزارتخانه شان حاضر میشدند و از ساعتیکه من بآن وزارتخانه یا گذاشتم باز بشهادت تمام آقایان و تمام مردم افلاکارمندان آنوزارتخانه سرساعت آمدند و بکار های خودشان مشغول شدند بنده در دوره وزارت بهداری در دو سال پیش مصادف شدم با شیوع بیماری وبا در کشور البته بنده کراراً گفته ام و خودم همیشه بزرگترین منفذ کارهای خودم بوده ام و باز هم بشهادت آقایان و مخصوصاً ارباب جرائد همیشه در وزارت بهداری از طرز کار و از طرز پیشرفت آنجا نا راضی بودم و کراراً خود من اظهار کردم که اگر در این وزارت بهداری را ببینند کوچکترین اثر سوسنی در وضعیت بهداشت کشور نخواهد داشت با اینکه در آن وزارتخانه کارمندان بسیار لایق و جسی هستند اطباء بسیار وظیفه شناسی هستند ولی بواسطه فقدان وسایل و کمی بودجه البته نمیتوانستند معجز بکنند ولی اینرا میتوانم عرض آقایان برسانم که در نتیجه مراقبت و جدیت کارمندان وزارت بهداری ما توانستیم بطور قطع از بروز و شیوع بیماری در کشور خودمان جلوگیری بکنیم و بنده بسهم خودم باز آقایان شاهد هستند که در آن موقع با هر آسبسی جان خودم را بخطر گذاشتم و یک دفعه رفتم در چاه بهار و یکدفعه در زاهدان و آنجا ها راسر کشی کردم البته اینرا هم میدانستم که اگر خدای نکرده مقدر اینطور بود و بطیاره سقوط میکرد یک مجلس ختمی در مجلس سیهسالار اگر میخواستند خیلی بن احترام بگذارند در آنجا میکذاشتند و آقایان هم یک تلمیلت بکسان

من میگفتند و تمام میشد میرفت ولی من یک وظیفه ای دارم و باید خدمت بملکت بکنم و از این حرفها هم از میان در نمیروم (احسن است) آقای دکتر بقائی من خیلی معذرت میخواهم که مجبورم اینرا عرض کنم ایشان ضمن صحبت هائی که کردند اظهار کردند که من آن روزی که آقای ساعد مأمور تشکیل کابینه شدند رفتم بایشان گفتم که بعضی اشخاص را وارد کابینه نکنید و مطمئنم که آقای ساعد بایشان یک تسمی کردند و نتیجه آن تسمی این است که الان بنده افتخار دارم و در حضور آقایان هستم آقای ساعد که یکی از مردان پاک و رجال وطنپرست این مملکت است (صحیح است) دفعه اول نبود که با دکتر اقبال تماس پیدا میکردند اولین شخصی که افتخار شرکت در دولتهای کشور شاهنشاهی را بمن داد جناب آقای ساعد بود جناب آقای ساعد در ۱۳۲۳ که عهد دار امور این کشور شدند در کابینه ای که گرفتاری نفت پیش آمد بنده را در آن کابینه شرکت دادند و آقای ساعد از دور شاهدو ناظر اعمال و رفتار من بودند روزیکه ایشان از طرف بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مأمور تشکیل کابینه شدند شب که از آنجا مراجعت کرده بودند از حضور اعلیحضرت همایونی مرخص شده بودند شب یک جانی مهمان بودم ایشانهم تشریف آوردند و بدون اینکه من بایشان هیچ اظهاری کرده باشم آقای ساعد ببنده فرمودند که شما در دولت من شرکت خواهید کرد بدون اینکه من اظهاری کرده باشم ایشان بعضض اینکه از پیشگاه اعلیحضرت همایونی مرخص شده بودند این مطلب را بمن فرمودند و البته آقای دکتر بقائی بعداً رفتند حضور آقای ساعد و این تقاضا کردند البته باز هم بنده از آقای دکتر بقائی هیچ گله ای ندارم اظهار نظری نکردند اظهار عقیده هم آزاد است و البته خوب بود که میرفتند و نظرشان را بآقای ساعد میگفتند ولی میخواستم بایشان تذکر بدهم که تصمیم آقای ساعد قلاً گرفته شده بود و قبل از اینکه بروند و دولتشانرا تشکیل بدهند بنده ابلاغ کرده بودم فقط از بیانی که اینجا کردند این بیان خیلی باعث تعجب شد که یک نفر استاد دانشگاه و تحصیل کرده انتساب انساب بار شاهنشاهی موهن بداند برای اینکه آقای دکتر در ضمن بیاناتشان که اینجا در روزنامه چاپ شده است و بنده گرفته ام میگویند که یکی از عرایض من این است که اعلیحضرت معجوب ما را دوره کرده اند و نمیگذارند که حقایق باطلاع ایشان برسد یکی دیگر که گفتم که وزرائی که مهر و مارک خورده اند بهمکاری نپذیرید زیرا شایسته نیست کسانی را که مشهور شده از طرف دربار حمایت و پشتیبانی میشوند بهمکاری دعوت کنید از گفتن نام همکاران نیز امتناع ندارم و آن دکتر اقبال است آقای دکتر بقائی جنابعالی بدانید که برای من بزرگترین افتخار است که منتسب بدربار شاهنشاهی باشم برای اینکه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مظهر وحدت ملی ایران است (صحیح است) اعلیحضرت همایونی در این چند سالی که سلطنت ایران را عهده دار هستند نشان دادند که پادشاه عادل و دمکرات هستند (صحیح است) و اگر که لطف و اعتمادی ببنده دارند مطمئن باشید در نتیجه صداقت و نتیجه وطنپرستی و در نتیجه پشت کار

بنده است (صحیح است) بنده در روز هجده ساعت کار میکنم بدون اینکه جنابعالی و هیچیک از افراد این مملکت بتوانند کوچکترین لگه ای چه از نقطه نظر سیاسی چه از نقطه نظر اجتماعی چه از نقطه نظر فامیلی و چه از نقطه نظر تحصیلی بمن وارد بیاورند اینها را که بنده ادعا میکنم باز هم معذرت میخواهم که این ها حمل بخودستایی میشود ولی وقتی که جنابعالی بنام یک نماینده ملت بخود اجازه میدهید که در پشت این تریبون انتساب بدربار را موهن بدانید من جنابعالی میگویم که این توهین کردن شما که دکتر اقبال مارک دربار دارد این بر خلاف آن قسمی است که شما در پشت این تریبون خورده اید که نسبت بشاهنشاه معظم خودتان وفا دار باشید (صحیح است) جنابعالی از این موضوع خواستید بحساب خودتان بمن اهانت بکنید ولی خدا را شکر میکنم عذو شود سب خیر اگر خدا خواهد خیلی متشکر هستم از جنابعالی که بمن این نسبت را دادید که بنده در تحت حمایت و لطف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قرار دارم و این را بشما میگویم که تمام افراد وطنپرست و تمام ایرانیان بدون استثناء تمامشان انتساب دارند بدربار شاهنشاهی (صحیح است) (دکتر بقائی - کسی منکر این نیست ولی این استدلال سفسطه است) و افتخار میکنند که در تحت لوای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در این مملکت زندگانی میکنند (صحیح است) و آن خائبنی که اینجا الان ذکر خواهم کرد بگوری چشم آنها و بخواست خداوند متمال نتوانستند بآن مقصود شوم خودشان برسند اینست که آن اظهار جنابعالی که من منتسب هستم و مارک دار هستم و مارک من این است که از طرف دربار حمایت و پشتیبانی میشود این برای من نهایت افتخار است و از جنابعالی هم که این تذکر را دادید صمیمانه سپاسگذاری میکنم (احسن است) موضوع دیگری که راجع ببنده اینجا بحث گردید این بود که از وقتی که من رفتم بوزارت فرهنگ در وزارت فرهنگ باعث افشاش و این چیز ها شدم و وزارت فرهنگ هم اولاً بطوری که در رسو امر بعرض آقایان رساندم بنده این افتخار را دارم که استاد دانشگاه هستم و یکی از افتخارات زندگانی من این است که موفق شدم در نتیجه تعلیم و تربیت یک عده اطباء این کشور در اقصی نقاط این کشور مشغول طبابت هستند و آلام بیمارانشرا تسکین میدهند در نتیجه تربیت اینها خدمتی بجامعه کرده باشم ولی جنابعالی با استادی دانشگاهتان فقط فلسفه تدریس فرموده اید حالا فلسفه تاجه حد باین کشور خدمت کرده است آنها هم یک بعضی است که جای خود دارد ولی آن چیزیکه مسلم است اینست که من در این کشور یک عده اطباء تربیت کرده ام و الان واضح و مسلم است که اینها بملکت خدمت میکنند (صحیح است) این است که بنده وقتی رفتم بوزارت فرهنگ غیر فرهنگی نبودم و کاملاً باوضاع فرهنگ این مملکت آشنا بودم مخصوصاً از موقعی که یکمده خائن بنام حزب توده فرهنگ مملکت ما را در حقیقت اشغال کرده بودند (فولادوند - صحیح است) و مخصوصاً از نزدیک مواظب فعالیت آنها بودم و موقعی که رفتم بوزارت فرهنگ جنابعالی حالاً اعلام میکنم بر رئیس دولت وقت هم گفتم میروم در وزارت فرهنگ برای اینکه فرهنگ را از لوث وجود این آقایان ننگین پاک کنم و برای همین

هم رفتم آنجا وضعیت فرهنگ کشور را هم لازم است برای آقایان توضیحاتی بدهم که بسیار بد و اسفناک بود این بد و اسفناک بودن فرهنگ کشور ما چندین علل دارد یکی از علل عمده اش بی لیاقتی بعضی از وزراء فرهنگ است (دکتر بقائی - صحیح است) و البته در ضمن عرایضم خواهم گفت بنده آن وزیری که در وزارتخانه خودش برای حفظ مقام چندروزه پشت آن میزدسته بندی بکنید یعنی کارمندان را بجان همدیگر بیاندازد سرویس گشتایو درست بکنند و بگویند برو در توی آن اطاق بین بر له یا علیه من چه میگویند یا فلان آدم چه می گویند این شخص لیاقت وزارت ندارد (دکتر بقائی - صحیح است) اتخاذ سند هم می کنند (آقایان من در هر وزارتخانه ای که رفتم ام بهیچ وجه من الوجوه اجازه نداده ام بکارمندان آن وزارتخانه که غیر از کار خودشان کاریگری بکنند من وقتیکه بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی وزیر مشوم و بعد مورد اعتماد مجلس شورای ملی واقع میشوم من یک جا فقط مسئول هستم در پیشگاه اعلیحضرت همایونی و مجلس شورای ملی از این جهت بهیچ وجه اجازه نخواهم داد و نمیدهم که در وزارتخانه خودم کارمندان آن وزارتخانه با همدیگر دسته بندی بکنند وزیر را در زحمت بیندازند هر کارمندی در آن وزارتخانه ای که من کار میکنم این کار را بکنند بیرونش میکنم از این جهت وقتی که فرمودند که وقتی من رفتم آنجا یک جامعه لیسانسیه ای بودند و یک جامعه دیگری تشکیل دادم جنابعالی عرض میکنم که کاملاً خلاف واقع است یا شما را فریب داده اند یا اینکه خود شراوری اغراضی که دارید صحبت هائی گردید و حالا این جا تمام مدارک و دلایل را برای شما میخوانم که خیال نکنید فقط صحبت میکنم اینجا جنابعالی ضمن صحبت های خودتان گفتید دکتر اقبال از سپهبد رزم آرا دستور میگیرد وقتی آقایان گفتند شما گفتید که من مدارک نشان میدهم ما که تا اکنون مدارکی از جنابعالی ندیده ایم (دکتر بقائی - مهلت ندادند و گرنه مدارک حاضر است) اینطور فرمودید راجع باین موضوع هم میرسیم حالاً توضیح میدهم چون گفتید که بنده با مدرک صحبت میکنم وقتیکه بنده رفتم بوزارت فرهنگ دفعه دومی بود که من میرفتم بآنجا چون در کابینه سوم آقای قوام السلطنه آقای دکتر صدیق بسمت وزارت فرهنگ منسوب شده بودند ایشان در اروپا بودند آقای قوام السلطنه ببنده دستور دادند که در غیاب آقای دکتر صدیق امور وزارت فرهنگ را هم سر کشی بکنم بنده وقتی رفتم آنجا بعد از چند روزی یک مطالعاتی البته سطحی شد و چند نفر از آقایان هم تشریف داشتند در آن کابینه بلافاصله بنده یک گزارشی بآقای قوام السلطنه دادم که آن میخوانم این گزارش در تاریخ ۹۶۴۶۱۳۲۶ فرستاده شده بعرض جناب اشرف آقای نخست وزیر برسد یکی از مسائلی که در امور فرهنگی کشور حائز اهمیت میباشد باینترقتن سطح معلومات فارغ التحصیلان مدارس متوسطه است از تاریخی که اینجانب بر حسب امر عالی موقه عهده دار امور وزارت فرهنگ شدم متوجه این نکته اساسی گردیده و اکنون خود را موظف میدانم مشاهدات این چند روزه را بعرض عالی میرسانم هفته قبل که برای سر کشی بامور مدرسه دارالفنون رفتم بودم کیفیت امتحان شبی و پاسخ سئوالاتی که از داوطلبان میشد توجه اینجانب را جلب نمود بطور کلی اغلب داوطلبان

از چهار سئوالی که میشد حتی یک سئوال هم پاسخ نمیدادند و میزان معلومات آنده است ای که قادر بیاسخ میشدند اگر باین نتیجه امتحانات ۲۰ سال قبل مقایسه بشود نمودار لیاقت شرکت کنندگان در امتحانات را نسبت به ۲۰ سال قبل باید عدد دو یا سه دانست حتی در دو سال قبل دیده شده است که در سال پنجم متوسطه محصلی کله جزائی را با (ع) و اهمال را با (ح) نوشته در صورتیکه ۲۰ سال قبل در سال پنجم ابتدائی گلستان سعدی تدریس میشد و فارغ التحصیلیهای دوره متوسطه از بیانزده سال پیش ساین طرف شاید قادر بخواندن گلستان نباشند (صحیح است) و اگر این وضع بدینمنوال ادامه یابد میتوان گفت زحماتی که در راه تعمیم فرهنگ پیش بینی شده و بودجه ای که برای این منظور مصرف میگردد بهتر میبود این عقیده بنده است لذا باتوجه خاصیکه آن جناب بامور فرهنگی دارد نظر عالی را باین موضوع اساسی معطوف داشته و امیدوار است که پس از ورود جناب آقای دکتر صدیق اقدامات مؤثری برای بالا بردن سطح معلومات محصلین مدارس بشود . عرض میکنم که علل خیلی زیادی داشته یکی از این علل هم همین حزب بازی است که در وزارت فرهنگ شده در وزارت فرهنگ و بین فرهنگیان آدمهای بسپاد خوب فراوان است بسیار خوب اشخاصی هستند که حقیقه باین حقوق خیلی خیلی کمی زندگی میکنند که وظیفه ملی خودشان را بنحو احسن انجام میدهند ولی متأسفانه این حزب بازی در امور فرهنگ باعث این شده که آن عده هم که میخواستند و میخواهند کار خودشان را انجام بدهند مرعوب آندهست شباد و بی حیثیت و وطن فروش شدند و نگذاشتند که آن بیچاره ها کارشان را بکنند . بنده وقتی در وزارت فرهنگ بودم یک روزی رفتم در آن دبیرستان مروی از جیب یک عده زیادی از شاگردان آنجا که آقای وزیر فرهنگ هم دبروز اشاره فرمودند این در زمان بنده بود از جیب عده زیادی از شاگردها دفترچه هائی بیرون آمد شاگرد سال سوم و چهارم متوسطه که در آنجا تمام مذاکرات حوزه حزبی که مربوط بوده بود البته تمام در آنجا بود از جیب آنها جاقوی ضامن دار بیرون آمد . آقای دکتر بقائی ، این فرهنگ شما است این فرهنگی است که شما میگویند دکتر اقبال رفت آنجا را بهم زد من رفتم در فرهنگ و پرده ای را که جلو این خرابکارها را گرفته بود بالا زدم و البته جنابعالی و رفقایان و دوستان توده ای تان این را که میگویم دوستانتان حالا عرض میکنم که چرا البته با بنده مخالفت کردند و باز خیال میکردند که بنده از آن وزرای بی عرضه فرهنگ هستم که در مقابل این تهدیدات جا خالی کنم آقای دکتر بقائی من سر باز و سر باز راه خدمت بوطن (احسن است) جای خودم را بهیچ قیمتی خالی نخواهم کرد (احسن است) این را بدانید مگر اینکه من را در پشت میز وزارت من ، در پشت میز کارم مرا بکشند جنابعالی مطمئن باشید که بهیچ قیمتی جای خودم را خالی نمیکنم و رفقای شما در وزارت فرهنگ دیدند . (دکتر بقائی - بلی من هم میدانم برای حفظ مقام جا خالی نمیکنید) بنی بنده در این مملکت اگر یک روزی میخواستم وزیر بشوم شدم آلان که اینجا خدمت شما هستم ده دفعه وزیر شده ام و شهوت مقام من ریخته است اغلب این آقایان اینجا

شاهد هستند اگر من روزی ۱۸ ساعت کار میکنم فقط و فقط برای خدمت بملکت است فقط و فقط (صحیح است) همه میدانند و اول شخصی هم که باین امر واقف است شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است شما خیال میکنید که این حرفها روزی هواسه همه میدانند روزی ۱۸ ساعت من کار میکنم با کمال شت و شهامت و کوچکترین نقطه ضعفی در زندگی اجتماعی و سیاسی و خصوصی ندارم (احسن است) وقتی در اینجا راجع ببعضی از معلمین صحبت هائی شد این را که میگویم وزرای بی لیاقت فرهنگ که عقبه من آنها مشول هستند البته با دلیل است در آنجا یک جامعه لیسانسیه هائی بود که آنهم بدست توده ایها تشکیل شد این را من رسماً اینجا اعلام میکنم یعنی توده ایها برای اینکه بتوانند کار خودشانرا در پشت پرده انجام بدهند آمده بودند یک دو سه نفر اشخاص جاه طلب مثل محمد درخشش و دیگرانرا آلت کرده بودند و اینها را آمده بودند انتخاب کرده بودند بعنوان هیئت مدیره (دکتر بقائی - درخشش هم توده ای بود) حالاً عرض میکنم من نگفتم که توده ای بود آلت توده ایها بود جنابعالی گوش بدهید وقتی که صحبت میکردید بنده گوش میدادم جنابعالی هم تأمل و حوصله بفرمائید بنده عرایضم را بکنم جنابعالی هم از ماده ۱۰۹ استفاده بفرمائید که اگر ابلاغ این چند نفر معلمی که تهیه شده است لغو نشود گرو خواهیم کرد و در این قبیل موارد سابقاً فلان وزیر فرهنگ از ما در این قبیل نقل و انتقالات سئوال میکرد و از ما میرسید این که گفتم بی عرضه هستند برای همین است با فلان وزیر فرهنگ چند نفر را منتظر خدمت کرد یا حکم انتقال داد آمدم در همین مکان وزارت فرهنگ وزیر فرهنگ گفتم که آقا ما گرو خواهیم کرد گفت بکنید ما رقتیم گرو کردیم دید کار بد شد آدمم ابلاغهای صادره را لغو کرد و هم از ما معذرت خواست باقی درخشش گفتم که اشتباه بزرگ وزیر همین است بفرمائید گرو بکنید من ترجیح میدهم که تمام مدارس این مملکت بسته شود ولی در مدارس مملکت ترویج توده ای نشود بنده ترجیح میدم آقا (جمال امامی - همه ترجیح میدهند) حالاً بنده را مرتجع بگویند بگویند هر چه میخواهد بگویند بگویند من ترجیح میدهم که تمام مدارس این کشور بسته شود و افکار توده ای در این کشور نباشد زیرا الان شما نشان خواهم داد که این سوء قصدی که نسبت بشخص اعلیحضرت همایونی شد توده ایها کردند من ترجیح میدهم که افراد این مملکت بیسواد باشند و گفتم که شما اشتباه کرده اید کشمکش ها کردند خود آقای دکتر بقائی هم آنجا نطق فرمودند از آقای فرامرزی هم خیلی متشکرم که ضمن صحبت هائی که آنجا فرمودند و این حرف هائی که آقایان میزدند تحریک بوده ایشان از بنده دفاع کرده بودند آقای دکتر متین دفتری و آقای مکی هم بودند گفتم آقا دستوری است که داده شده و این دستور با دلیل و برهان بوده و بدون دلیل کاری هم نکردم شما گفتید که در زمان وزارت فرهنگ بنده اشخاصی را بیرون کردم بهیچوجه بنده دستور صدور حکم انتظار خدمتی ندادم و این گزارشی را که قرائت میکنم میرساند که کسی منتظر خدمت نشده است . جناب آقای دکتر اقبال وزیر کشور ، محترم بعرض میرساند

که در زمان وزارت جنابالی مقرر بود برای هشت نفر از معلمین تهران و ۳۳ نفر از معلمین شهرستانها حکم انتقال صادر شده و هیچ حکم انتظار خدمتی صادر نگردیده است بنده هیچ محتاج نبودم همانطور که گفتم بنام این تفصیل خودم قادر بودم و در هر وزارتخانه ای که رفته وقتی که تشخیص دادم بدون هیچ ملاحظه و بدون هیچ تشویشی کار می کردم و کارمندان وزارتخانه ها هم فقط میبایستی کارمربوطه خود را انجام دهند و از آقای همکار محترم هم گله دارم و همینطور که سابقاً عرض کردم متأسفانه اینجا اینکار را نکردند و عرایض بنده را گوش ندادند و برخلاف آنچه که مقرر بود هیچ اینکار را نکردند و ایشان هم انتساب ندهید . بعد از اینکه دولت آقای وزیر استعفاء داد چند روزی بنده در منزل بودم همین آقای درخشش و آقای مشایخی رئیس دبیرستان خاقانی همین آقای درخشش که بجنابالی میگویم این سلسله را توده ایها راه انداختند با تفاق آقای مشایخی رئیس دبیرستان خاقانی (مشایخی - باینده نسبتی ندارد و فامیل بنده نیست) بنده میدانم با جنابالی نسبتی ندارد آمدند در دبیرستان رازی آنجا که از طرف دانشگاه مأمور تعلیم و تربیت اطباء هستم اظهار کردند که آقا والله ما آلت دست توده ایها بوده ایم ولی حالا خواهش میکنم کمک کنید که این دکان بسته نشود تخریب این است که میخواستم عرض کنم که اینها تمام دست بنده ایها بود که آقایان توده ایها در آنجا کرده بودند برای اینکه میدانستند که من نسبت با آنها چه جور فکر میکنم (دکتر بقائی - اینها آمدند گفتند که دکانشان را بنده ای؟) بعد ایراد گرفتند با آقای وزیر فرهنگ که در محیط فرهنگ قرار داده است که بهیچوجه من الوجوه سیاست نباشد ولی چون قبل از ایشان این دستورات را بنده داده بودم باید يك توضیحاتی بدهم البته چندین بخشنامه شده یکی از آنها را برای جنابالی میخوانم ؛ بطوریکه کراراً تذکره داده شد در محیط آموزشگاهها میبایستی بهیچوجه فعالیت های سیاسی وجود داشته باشد (دکتر بقائی - ایراد بنده هم این است که چرا دخالت میکنند) با این حال اغلب شکایاتی نسبت به تبلیغات سیاسی بعضی از دبیران و آموزگاران و تظاهرات بعضی از دانش آموزان در محیط آموزشگاهها بوزارت فرهنگ میرسد بنا بر این مراتب را مجدداً تذکره میدهم تا اکیداً دستور دهید در آتیه کلیه کارکنان وزارت فرهنگ مراتب را در نظر داشته کاملاً رعایت نمایند ضمناً آقای رئیس اداره فرهنگ مسؤول حسن اجرای دستور فوق میباشد . باندازه ای این آقایان توده ایها و بعضی از معلمین توده ایها در بین آموزشگاهها و در بین معلمین عمل کرده بودند که حتی چندی قبل یکی دو ماه قبل پسر آقای سرتیب گلشایان را در این مدرسه علیه شاگرد های توده ای زده بودند برای اینکه پدرش سرتیب گلشایان بوده یک بچه ای که میخواهد برود درس بخواند تحصیل بکند جنابالی در فرهنگ تشریف داشتند بنده خودم هم در لیس بودم در فرهنگ در کشور فرانسه که آزادی هست بهیچوجه من الوجوه اجازه نمیدهند شاگرد مدرسه در کار سیاست مداخله کند ، آزادی معنی دارد ، آزادی معنی اینست که جنابالی بیاید پشت این تریبون و از اینکس و کیل مجلس هستم و مصونم بشام مقدمات این مملکت

برجال وطن پرست و خادم این مملکت توهین بکنید این آزادی نیست این هرج و مرج است (دکتر بقائی - انتخاستند میکنم) اتخاذ سند هم بفرمائید بنده این جا میگویم گوشان هم میشود بنده که جای دیگر نیروم آقا ، اما محیط دانشگاه ، محیط دانشگاه که بنده هم افتخار عضویت آنجا را دارم متأسفانه باید بگویم در نتیجه اهمال کاری متصدیان آنجا وضعیت بسیار بسیار بدی دارد و همین اهمال کاری متصدیان دانشگاه ما است که وضعیت دانشگاه را باین روز انداخت در آنجا هم بعد از کشمکش های خیلی زیادی بالاخره دیدند که در محیط دانشگاه یعنی در آن معوطه شاگرد ها از صبح تا غروب توی سرهم میزنند یکی توده ایست ، یکی راست است یکی چپ است معصوم در محیط دانشگاه باید در درس را بخواند و از محیط دانشگاه که بیرون رفتند هر کاری که میخواهند بکنند البته عقیده آزاد است و در حدود مقررات کشور میتواند که زندگی کند در محیط دانشگاه هم آقای وزیر فرهنگ آنروز متن تمهد را خواندند و يك دستوری هم هست که حضور آقایان میخوانم نوشته است:

شورای دانشگاه در سبده و چهل و سومین جلسه خود مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۲۷ مقرر داشته اند مراتب زیر بموم آقایان معلمین دانشگاه ابلاغ شود . چون اخیراً اظهار دارد ، این اظهار دارد راهم آن متصدیانی که این را نوشته اند خیلی باز خواسته اند موضوع را مسجل بکنند روی حسابی که میباید يك روزی باز این توده ایها برگردند و فلان بکنند بگویند که ما گفتیم اظهار دارد در صورتیکه خودشان میدیدند و یکعله از همین آقایان متصدیان دانشگاه هم خودشان مروج اینکار بودند آن را هم هر وقت خواستید اعلام میکنم من حاضرم ولی حالا اینجامورد بحث نیست نوشته است : چون اخیراً اظهار دارد که بعضی از معلمین دانشگاه به تبلیغات سیاسی پرداخته دانشجویان را بگرام و مسلک مخصوص خود دعوت میکنند و این امر اگر صحت داشته باشد بایستی بگویم اگر هم باز فرمالیته است برای اینکه صحبت دارد وقتیکه دوسه هفته پیش دکتر کشاورز و رادمنش از دانشگاه طرد شده بودند يك پلی کبی درست کرده بودند و اعتراض کرده بودند بدانشگاه و رئیس دانشگاه و آقای وزیر فرهنگ و سایر آقایان اینقدر دانشگاه ما خراب بود که نتوانست بودند با ایادی که آنجا دارند با وجود وضعیت فعلی در تمام در دیوارهای دانشگاه علوم این اعتراض خودشان را الصاق بکنند اینکه اینجا نوشته شده اگر صحت داشته باشد در صورتیکه صحت دارد و اگر صحت داشته باشد فرمالیته است باری نوشته است اگر صحت داشته باشد با اصل بیطرفی کامل دانشگاه که همیشه مورد رعایت بوده است منافات دارد و بهیچوجه مقتضی نیست گفته شود که دانشگاه در سایه استقلال خود جریانی را اجازه میدهد که ممکن است برخلاف مصالح کشور باشد بنابراین در تعقیب و تأیید بخشنامه شماره ۲۳۳۷-۱۴۰۱۰۱۰۲۵ لازم میدانم یکبار دیگر بیطرفی کامل دانشگاه را در امور سیاسی و جریانات غیر تعلیماتی رسماً اعلام دارد و ضمناً با اطلاع موم آقایان معلمین دانشگاه برساند که تبلیغات سیاسی در محیط دانشگاه میان

معلمان و کارکنان و دانشجویان مطلقاً ممنوع است و هر کس برخلاف این اصل کلی که رعایت آن برای حسن انجام وظایف علمی و تعلیماتی و حفاظت استقلال دانشگاه ضرور میباشد عمل کند مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت و درباره او از طرف شورای دانشگاه طبق مقررات قانونی تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد شد البته این بخشنامه هم بدانشگاه شده است ؛ چون بر طبق رأی تصمیم سبده و چهل و سومین جلسه شورای دانشگاه مورخ ۱۲ خرداد ۲۷ مقرر گردیده است که از سال تحصیلی آتی از کلیه دانشجویان تمهد گرفته شود که داخل دانشگاه حق دخالت در امور سیاسی و تبلیغات را نخواهند داشت لذا مراتب برای اطلاع و دستور اقدام مقتضی بدینوسیله اعلام میگردد . اینکه جنابالی یا سایرین در اینجا میآید و داد میزنند که در کجای دنیا هست که بدانشجویان اجازه دخالت در سیاست نمیدهند اینها جز سفسطه چیز دیگری نیست هیچوقت دانشگاه تهران نگفته است که دانشجویان که با صلاح باید هم آزاد باشند اظهار نظر نکنند ولی گفته اند در داخل مدرسه در محیط مدرسه و در محیط دانشگاه شاگرد باید بیاید درس بخواند معلم هم باید درس بدهد (دکتر بقائی - نه تلگراف برای مجلس مؤسسان امضاء کند) اجازه بفرمائید اگر بنده که معلم هستم بیایم سر کلاس بشاگرد بگویم اگر آمدی عضو حزب من شدی به تو نمره خوب خواهم داد اینها هست اینها مدارک دارد اینها حرف نیست بجای اینکه در جیب شاگرد مدرسه قلم و کارنامه و مداد و کاغذ و کتاب پیدا شود اوراق تبلیغاتی یا حوزه است که نوشته بنده در حوزه شماره فلان بودم فلانی چنین میگفت و روزنامه رهبر و فلان و فلان این دانشگاه بسته شود بهتر است (صحیح است) (دکتر بقائی - تلگراف مجلس مؤسسان هم نباید امضاء بکنند ما با هر دو مخالفیم) بعد فرمودید بنده در محیط فرهنگ هیچ اقدامی نکرده ام بنده باید بجنابالی بگویم که بهیچوجه اهل ظاهر نیستم اشخاصی که باید بفهمند و بوق هم لازم ندارد خود جنابالی هم که میفرمائید آن بی لطفی که نسبت به بنده دارید اینجا توضیح خواهم داد که چرا بی لطف هستم توضیح خواهم داد اگر جنابالی از نظر بی لطفی این کار را نیکو ندیدید میدیدید که در این مدت کوتاهی که در وزارت فرهنگ بروم اصول بی انضباطی که در آنجا حکمفرما بود سعی کردم که از بین بروم در این دنیا تا اصول انضباط و دیسپلین نباشد کار پیش نیروم با هرج و مرج کار پیش نیروم آن آزادی که جنابالی میخواهد ، آن آزادی که آقای دکتر بقائی می داد میزنند آزادی ، آزادی ، آن آزادی که جنابالی و رفقای شما میخواهند یعنی هرج و مرج البته آن آزادی دیگر در ایران وجود ندارد و نخواهم گذاشت که آن اصول هرج و مرج در ایران بوجود بیاید یکی از آنها من هستم که نخواهم گذاشت آن اصول هرج و مرجی که جنابالی و رفقایان میخواهند که منجر بحداده شوم ۱۵ بهمن شد دیگر بوجود نخواهد آمد (صحیح است) (دکتر بقائی - باین حرفها هم نمیشود دوباره دیکتاتور را بیاورد) دیکتاتوری چه آقا خدا بدتران را بیاورد دیکتاتوری چه ، عرض کنم وقتیکه من رفتم بوزارت فرهنگ يك روزی يك گزارش محرمانه ای

بمن دادند که يك کارمندی رفته در وزارت کار گمان میکنم آنجا خواسته شغل بگیرد وقتی که رفته بکارگزی آنجا مدارکش را بدهد خلاصه يك کاغذی برد آنجا ارائه داد که تصدیق متوسطه است و آن کارگزی اشکال کرد حالا یا خواسته درست به بیند آیا نظر خاصی داشته معلوم نیست نتیجه اش این میشود که از وزارت فرهنگ سؤال کردند که آیا این کارنامه یا تصدیق که دست این آقا هست درست است یا نه وقتی آوردند وزارت فرهنگ در اداره امتحانات دیدند که تمام اینها ساختگی است ، فلای است این گزارش را آنوقت بینه دادند بنده از طرف آقای دکتر صدیق آنجا بودم ، این گزارش را به بنده نوشته اند ، مقام منیع وزارت ، آقای عباسعلی قربانی آموزگار فرهنگ تهران یکبار رو نوشت گواهینامه ابتدائی بکارگزی ارائه داده که برای رسیدگی و اطمینان از صحت آن عین رو نوشت مزبور با داده امتحانات فرستاده میشود و با تطبیق با دفتر مربوط جعل بودن آن معلوم و برای تعقیب جاعل پرونده باین اداره احاله میشود با تحقیقاتی که بعمل آمده و خود آقای عباسعلی قربانی نیز در بازجویی کتبی اقرار کرده گواهینامه مزبور جعلی بوده این گواهینامه جعلی مهور به مهر وزارت فرهنگ بوسیله آقای اسدالله قاضی مرادی کارمند سابق اداره امتحانات که اخیراً مدیر دبستان مهریور بوده در مقابل یک هزار ریال در شهر یور یا مهر ۱۳۲۱ با حضور آقای عباسعلی قربانی بنامبرده تسلیم گردید ، اینک عین پرونده محتوی سی برگ با عین گواهینامه مجعول و اوراق بازجویی و اقرار کتبی که بامضای عباسعلی قربانی نیز رسیده بضمیمه از لحاظ مبارک میگذرد پرونده دیگری هم در مورد جعل گواهینامه دوره اول متوسطه بهمن نحو بوسیله آقای اسدالله قاضی مرادی با آقای عباسعلی مؤذن طرفی تسلیم و تنظیم شده که جریان آن در گزارش دیگر برض رسیده نظر باینکه آقای اسدالله قاضی مرادی کارمند اداره امتحانات وقت در سرت اوراق چاپی و گواهی نامه ها و جعل آ و تسلیم باشخاصی که هیچ امتحان نداده اند عامل اصلی بوده و ضمناً در مقابل این عمل وجه دریافت داشته است دعا دارد در صورت تصویب اجازه فرمایند پرونده جهت تعقیب جاعل و شخص ذینفع بدادگاه تسلیم گردد ، بنده نوشتم که موافقت میشود فوراً اقدام و بدادگاه ارسال شود . در نتیجه اینکار در مدت کوتاهی که آنجا بودم هفتصد تصدیق فلای بدست آمد که همه اینها مدرکش هست همه اینها در مدتی است که بنده آنجا رفتم ، این فرهنگی است که آقای دکتر بقائی میفرمایند بنده آنجا رفتم ، فرهنگی است که متأسفانه با وجود اینکه بازم تکرار میکنم معلمین از شریفترین افراد این مملکت هستند (دکتر بقائی - این تصدیقها را بنده جعل کردم) اجازه بفرمائید معلمین از شریفترین افراد این مملکت هستند خدمت خیلی خوبی هم میخواهند انجام بدهند ولی در نتیجه همان حقه بازیها ، در نتیجه همان کارهایی که گفتم دست بنده ایها ، حزب بازیها این بیچارهها از کار باز ماندند و این تقصیر با بنده است ، تقصیر همان بی لایقها و همان اوضاع و احوال و همانطور که گفتم بی لایق بعضی از وزرای فرهنگ است که نتیجه این میشود که بچه های ما همه بیسوادند بنده کاغذی دارم خیلی معنرت میخواهم از يك نفر

لسانیه دانشکده حقوق عضو علی البعل دادگاه استیفاء ارس را با ع و ص نوشته بود این لسانیه دانشکده حقوق ما است این مدتی تحصیل کرده و از دانشگاه آمده بیرون و از نقطه نظر دیپلم ها هم بفرمائید دیوان کفر پرونده ها را رانده فرستادم بعد از آنهم گمان میکنم ادامه پیدا کرد مقدار زیادی از این دیپلم ها را گیر آورده اند اینها را من افشا کردم همه را من باز کردم آنوقت جنابالی میآید برای چهارتا معلم توده ای که يك عده از رفقای جاه طلب شما آلت دست توده ایها شده بودند و آقای حائری زاده را هم بر دم آنجا هر چه نصیحت کردند نتیجه نگرفتند ملاحظه فرمودید این را و میگوئید من رفتم و فرهنگ را خراب کردم و نهایت بی انصافی است از طرف آقای دکتر بقائی که این نظر را نسبت ببنده میدهند و من هیچ گله ای ندارم حالا حرف اینجا است که اینها آقدر بی پروا و بی جا هستند که حتی بعد از قضایای ۱۰ بهمن در دانشکده فرستادند و آن اعتراضیکه بامضای دکتر کشاورز و دکتر رادمنش است بردر دیوارها الصاق کردند اینهم يك گزارشی است که مربوط بوزارت کشور است این گزارشی است که از سنجان رسیده خیلی فوری تلگرافی ۲۵/۱۲/۲۸ سنجان بیرو گزارش معروضه مورخه ۲۷/۹/۲۸ و مورخه ۲۷/۱۲/۲۰ بقراری که شنبه میشود آقای وفائی رئیس فرهنگ و چند نفر از دبیران بد سابقه فرهنگ سنجان به پیروی از رادمنش سرب فرقه دمکرات فلای و مرام تنگین اشتراکی خود شها جلساتی تشکیل داده و مشغول تبلیغات و طرح نقشه های خائنه دیگری هستند چنانچه اولیاء معظم دولت ادارات دولتی این شهرستان را از عناصر فاسد تصفه نفرمایند بیم هر گونه اتفاق سوء و غیر منتظره میروند ملاحظه میفرمائید با وجود این باز نامه های رسمی میرسد که تقدیم آقای وزیر فرهنگ میکنم از این اشخاصیکه در يك صورتی که بنده خواندم و پس و پیش کردم آنهم که پس و پیششان کردم برای اینستکه متأسفانه فرهنگ ما کارمند فنی باندازه کافی ندارد و باز در نتیجه بی لایق وزرای فرهنگ يك عده زیادی از دبیران عوض اینکه کار دبیری خودشان را بکنند در پشت میزها نشسته اند (صحیح است) بنده موقعی که در وزارت فرهنگ بودم کراراً اغلب آقایان آقای نبوی ، آقای گنجی میآمدند از بنده میخواستند (گنجی - آذربایجان هنوز هم دبیر باندازه کافی ندارد) همین آقای درخشش که علم بلند کرده بود و جلو افتاده بود آنهم بجز يك یکی از وزرای سابق فرهنگ که حالا با احترام مجلس اینجا اسم نمیبرم همین آقا يك روزی آمده بود نزد من آقای متین دقتری نیدانم تشریف دارند یاخیر باحضور ایشان از شان پرسیدم آقا شما چکاره هستید گفتند بازرسی وزارت گفتم کی شما را بازرسی وزارت کرده من ابلاغ دادم گفتند خیر گفتم شغل جنابالی از نقطه نظر کار و حرفه تان چیست؟ اظهار کرد که من دبیرم گفتم شاهی میآید در دفتر من بنام جامعه لسانیه ها و دانشرا میگویند که ما میخواهیم فرهنگ را اصلاح کنیم ، دبیر نداریم اول از خودتان آقا شروع بفرمائید از وجود مبارک خودتان ، جنابالی که دبیر هستید دست از بازرسی وزارت بکشید شما کی آمدید در اطراف من گفتید وزیر فرهنگ من یول

مفت میگویم ، این ملت بدبختی که شما دادمیزید بنام آزادی و بنام ملت که آنان توضیح عرض میکنم تمام (دکتر بقائی - بفرمائید) بله بله آقای دکتر بقائی حالا بهتان عرض میکنم با انتخابات شما که رسیدم عرض میکنم تمام ملت ایران زحمت میکنند و این آقایان یول مفت میگیرند و در خیابانها راه میروند جامعه تشکیل میدهند میگویند هورا ، هورا زنده باد ، مرده باد ، گفتم اول آدم باید از خودش شروع کند جنابالی که دبیر هستید اول از خودتان شروع کنید آدم باید خودش را اصلاح بکند جنابالی که لسانیه هستید یول مفت میگیرید بازرسی وزارت را بگذارید کنار بروید توی مدرسه و درس بدهید بعد بیاید این جا بگویند دبیر نداریم ، آقا اول باید خودتان درس بدهید وظیفه تان را انجام بدهید بعد بیاید داد بزید واعظ غیر منتظره که نمیشود ، اینها از این سری هستند ولی معهدا با این تغییر تبدیلها کسی را منتظر خدمت نکردم برای اینکه دبیر نداشتم معهدا اینها با دسته بندیهای که دارند که هر روز از خیابان فردوسی گزارشی میرسد آنجا میرفتند و کارهایشان را انجام میدادند و دستورات می گرفتند و جوانان حزب توده درست میکردند حالا برایتان میخوانم معلمین عوض اینکه بروند بنقطه ای درس بدهند بملاوه گزارشی ما داشتیم که یکی از آن گزارشات را بنده برای شما میخوانم شهربانی خوی صریحاً نوشته است آقای نجم الدین از جاسوسان بیگانه بشمار میروند در این صورت رجوع خدمت بچنین کارمند در هیچک از شهرستانها صلاح نیست باید پرونده این اشخاص برود بمقامات صلاحیتدار برای تعقیب قانونی فرستاده شود . اینطور اشخاص هستند که بنده جا بجا کردم و فرستادم برای اینکه آن کارمند فرهنگی که وظیفه خودش را انجام داده است همیشه مورد توجه من است هر کسی وظیفه خودش را انجام بدهد من با احترام میکنم (دکتر بقائی - این گزارش از طرف کی رسیده است؟) به امضاء آقای مینوئی است (دکتر بقائی - من قبول نمیکنم) اینها اینطور اشخاصی بودند حالا جنابالی اینجا میگویند که فرهنگ را خراب کردند همینطور که آقایان عرض کردند یکی از علل خرابی فرهنگ ما عسلیات زیادی است که توده ایها در آنجا کرده اند توده ایها در بدو امر که حزبشان تشکیل شد و جنابالی هم میدانید سعی کردند که متوجه طبقه کارگر شوند در متینگها فریاد زدند مرده باد ساعت ساعد هم نگفتند یکی میگفت مرده باد فرانکو ما به فرانکو چکار داریم مرده باد نمیدانم میگفت مرده باد فرانکو آنوقت آنجا وقتی که عملیاتشان را شروع کردند و تمام آقایان ناظر و شاهد بودند و هیچ محتاج توضیح بیشتر نیست برای اینکه همه دیده ایم بعد از اینکه شکست خوردند در نتیجه کارهایی که کردند و بعد از خیانتهایی که شدو همکاری با آن فرقه فلای کردند مدتی رفتند در منزلشان (جمال امامی - بیکار نشسته است) البته بیکار نشسته بودند هم اینکار را کرده بودند ولی البته ناشی بودند و آنطور که شاید و باید نتوانسته بودند دیگران را راضی کنند . آقا کارگر بیسواد است متأسفانه فعلاً کارگر ما بیسواد است هر کجا که وسایل زنده گیش

را فراهم کنند کارش را انجام خواهد داد آنها آدم های بسیار خوبی هستند و میروند کارشان را انجام میدهند . مدتی توده ایها اینها را آلت کردند و دیدند نتیجه ای نگرفتند يك برنامه مفصلی که داشتند و دارند گفتند يك برنامه ای درست کنیم و برگردیم ایندفعه متوجه روشنفکرها شویم این بود که آمدند و برای اینکه متوجه روشنفکرها شوند البته آمدند در محیط فرهنگ و باید اذعان کنیم که ایندفعه بسیار خوب عمل کردند در مدارس ابتدائی از کلاس چهارم بالا کتابچه ای درست کردند بنام خروس جنگی شخصاً آقایان مطالعه بفرمائید ضمیمه روزنامه قیام ایران بود بیرون آنرا بگیری مطالعه کنید تمام افکاری که طبق قوانین این مملکت موعود است بین بدبختها و بیچاره شاگرد ها از همان ابتدائی تبلیغ میکردند يك طبقه بالاتر در مدارس متوسطه در آنجا سازمان جوانان حزب توده بودند نتیجه اش این بود که بنده از توی جیب شاگردهای مدرسه مروی کتابچه ای در آوردم که بر دم هیئت دولت تمام آقایان دیده اند توش صورت جلسات حزبی است این شاگرد مدرسه ای بوده است در این فرهنگی که جناب عالی سنک بسینه تان میزید از آنجا که میآید بالا محیط دانشگاه و روزنامه مردم وغيره این بود که ایندفعه اینها متوجه وزارت فرهنگ شده بودند و تشکیلاتی در آنجا داده بودند و سعی کرده بودند که کارشان بسیار پوشیده باشد و بدست يك اشخاص جاه طلبی بیفتد و کما بیش موفق شده بودند این گزارشاتی که بنده دارم خیلی مفصل است با احترام تقاضای آقای دکتر شفق اسم نیبرم فقط قسمت آخرش را برای اینکه ذهن جناب عالی روشن شود و رسماً هم از طرف دولت اعلام کرده باشم همین قسمت آخر این گزارش را میخوانم این بالا شرحی نوشته شده است که مراتب فوق شرح مختصری از عملیات خائنانه و خراب کار یهای جنایت آمیز این دسته و دخالت های غیر قانونی در امور قضائی و انتظامی کشور بوده و با وجود اینکه بعد از سقوط حکومت خود مختار آذربایجان و خروج ارتش بیگانه از کشور میزان قابل توجهی از فقه و قدرت مالی و عمومی آنجا کاسته و روحیه آنها ضعیف شد و معمهذا درخفا دست از ادامه رفتار سوء و اعمال مفسدانه خود برداشته و بنظور پیشرفت مقاصد پلید خود شروع تبلیغ و تربیت افراد حزبی تحت نظر مریمان مخصوصی برای فرا گرفتن تعلیمات لازمه جهت تخریب ترور ایجاد وحشت و طرز استفاده از مسدود نمودن خیابانها با موانع دستی در موقع لزوم وغيره نموده و کلاسهائی از قبیل کلاس کادر حزبی کلاس تغییر قیافه و کلاسهای مجرمانه دیگر در داخله حزب خود دایر و ضمناً تحت سرپرستی رضا روستا و رضا ابراهیم زاده و دکتر رادمنش و چند نفر دیگر کمیته بنام کمیته انتقام و اطلاعات تشکیل و مشغول تهیه مقدمات کار بوده اند تا اول سال ۲۶ که رضا روستا دستگیر و عملیات آنها موقه دچار وقفه میگردد (دکتر بقائی بنده هم توی این توطئه بودم ؟) (از خودتان بیسید خودتان بهتر میدانید) با اینحال دست از انکار پلید خود برداشته و برای ایجاد زمینه انقلاب خونین و هرج و مرج در کشور مرتباً با درج مقالات تحریک آمیز و اهانت بمقامات عالی و هوکنا احترام بزمانداران

مأمورین عالی رتبه و زمانداران زمینه مساعدی برای اجرای نقشه های آشوب طلبانه خود فراهم و با اینکه پس از رفع غائله آذربایجان نظر عطفوت مقام منبع سلطنت آنها را مشغول عفو قرار داده بود معمهذا از رأفت شاهانه و حسن ترحم ملت ایران سوء استفاده نموده و ازدانمه عملیات خیانت آمیز بکشور و ملت ایران منصرف نشده و نقشه شومی را برای برانداختن انقلاب خونین و معو استقلال ایران بصورت سوء قصد روز ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ که مصادف با روز استقلال دانشگاه است طرح و طبق پیرونده موجوده ناصر فخر آرائی عضو حزب توده و شورای متحد که دارای کارت شماره ۲۵۲۷ میباشد بعبده الله ارگانی که اونیز عضو حوزه شمالی ۱۹۲ حزب توده بوده و بنظور رابطه نزدیکتری با احسان طبری و دکتر کشاورز از حوزه ۱۹۲ بعوزه ۷۱۶ که مبلغ حوزه مزبور احسان طبری و جلسات آن در منزل دکتر کشاورز تشکیل میشده انتقال مییابد و سران توده نقشه سوء قصد خائنانه را برای ایجاد انقلاب خونینی در سراسر کشور در منز ناصر فخر آرائی و همدستانش طرح و پیروش میدهند و در آخرین جلسه که در حوزه ۷۱۶ مورخه ۱۳ بهمن ۱۳۲۷ در منزل دکتر کشاورز تشکیل میشود بتنظیم آخرین نقشه های قطعی و شوم خود پرداخته و در نتیجه روز ۱۵ بهمن را برای این منظور انتخاب مینمایند و در جریان رسیدگی بیرونده سوء قصد دخالت چند نفر دیگر علاوه بر ناصر فخر آرائی و عبدالله ارگانی از افراد حزب توده مجرزم که متهمین مذکور تحت دادرسی قرار گرفته اند در این جای هیچگونه شک و تردید نیست که سران حزب منحل توده با مدارکی که در پیرونده امر بدست آمده و موجود است در واقعه سوء قصد دخالت داشته و نقشه های شومی در منز پلید خود طرح کرده بودند و متواری بودن امثال دکتر کشاورز، دکتر رادمنش، رضا روستا، احسان طبری، دکتر بهرامی، آزار سیمونیان و همدستان دیگر آنها از تاریخ وقوع سوء قصد خود نیز بهترین دلیل دخالت آنها در این واقعه میباشد (رحیمیان- این گزارش کی است؟) این را وزارت کشور داده اند . عرض کنم جناب عالی دفاع کردید که بنده رفته ام و نسبت بدوستان خودتان اقداماتی کرده ام و در نتیجه باعث گله خاطر جناب آقای دکتر بقائی فراهم شده است و بعد هم تشریف بردند خدمت جناب آقای ساعد فرموده بودند که دکتر اقبال را که تحت حمایت دربار است بکاینه شرکت ندهید (دکتر بقائی - مگر این توطئه قبل از کاینه آقای ساعد بوده است که اسباب دلگیری بنده شده بود) خیر بنده که نمی گویم شما شرکت داشته اید در این سوء قصد و نباید کم حوصله باشید (دکتر بقائی - حوصله بنده خیلی زیاد است) بانجا هم میرسیم اما علت دلتنگی آقای دکتر بقائی . آقای دکتر بقائی وقتی بنده وزیر فرهنگ شدم بعد از چند روزی رئیس اوقاف آقای باخدا را برداشتم آقای دکتر بقائی از مجلس تلفن کردند (مکی - مرد بسیار شریفی است) من که نسبت باو چیزی نگفتم (مکی - جلو موقوفات را نگرفته بود) تأمل کنید آقای مکی عرض میکنم عرض کنم که آقای دکتر بقائی تلفنی کردند ببنده که آقای باخدا اینطور

است آنطور است چنین و چنان است دست نگهدارید تا بنده بیایم گفتیم چی چی را دست نگهدارم مدتی است برکنار شده حتی يك عده ای رفته بودند بيك عده از دوستان من متوسل شده بودند حتی دونفر از آقایان نمایندگان محترم که اینجا هستند بيكی آقای دادور و بيكی آقای موسوی (موسوی - صحیح است) این دونفر آقایان هم از طرف آقا تشریف آوردند و بمن پیغام آوردند که دکتر بقائی گله دارند که چرا باخدا را عوض کردی (دکتر بقائی - صحیح است) بيك دلتنگی ایشان از بنده اینست بيك دلتنگی دیگرشان اینست که موقعیکه استاندار کرمان را میخواستند انتخاب کنند آقای دکتر بقائی و آقای مهندس رضوی نظرشان بيك نفر دیگر بود و بهر دو آقایان جواب دادم که انتخاب استاندار از وظیفه وزارت کشور و منوط بتصویب بندهگان اعلیحضرت هایونی است خیلی معذرت میخوام هر چه وزارت خانه بخواهد و هر چه مورد تصویب ذات مبارک قرار بگیرد همان عمل میشود این آقای دکتر بقائی تشریف آوردند اینجا و بنام آزادی و بنام ملت ایران فرمایشات زیادی فرمودند از دستگاههای دولتی تنقید کردند . نیدانم کدام دولتی بوده است که پشت این تریبون آمده چه رئیس و چه اعضایش که بیاینه دفاع بکنند که دستکام مرتب و منظم است . در نتیجه گسیختگی اوضاع و احوال بعد از شهریور ۱۳۲۰ در نتیجه مداخلت بیجای بعضی اشخاص و مخصوصاً بواسطه این حزب بازی که همه ما شاهد بودیم تمام امور از هم گسخته شده دولت جناب آقای ساعد هم ادعائی ندارد که در این مدت کوتاه ، تمام اینها را اصلاح بکنند هر کس چه از این دولت و چه از دولتهای دیگر چنین انتظاری داشته باشد انتظار بیجائی است آقای دکتر بقائی حقتشان بود که میآمدند و راه را نشان میدادند تنقید کردن کار آسانی است ایشان صحبت از مرحوم پدرشان کردند که مرد بسیار شریفی بود و با پدر مرحوم من هم ارتباط داشت کراراً در منزل پدرم خدمتشان رسیده بودم ایشان مرد بسیار شریفی بودند عضو مجلس مؤسسان قبل بودند عضو مجلس شورایی دوره های اعلیحضرت فقید بودند (دکتر بقائی - این قسمت را تکذیب میکنم بعد از مجلس مؤسسان دیگر و کبل نشدند) بسیار خوب ولی تشریف میآوردند تشریف داشتند در آنجا آدم بسیار بسیار شریفی بودند ولی گیرم پدر تو بود فاضل - از فضل پدر ترا چه حاصل؟ - البته من حق ندارم بيك وزیري حق ندارم زانبنه ای سؤال کند من اینجا تابع مقررات مجلس هستم و در پیشگاه مجلس شورایی سر تنظیم فرود میآورم (دکتر بقائی - ولی من خودم اجازه میدهم که سؤال بکنید ولی پهلوی خودم هر چه حساب میکنم این مملکت خرج آقای دکتر بقائی را کرده ایشانرا بارویا فرستاده و تحصیل کرده اند و تشریف آورده اند غیر از منفی بافی چیز دیگری از ایشان دیده نشده است هي آمدند گفتند چرا هيچی شد میبایست هيچی بکنند کسیکه تمام ۲۴ ساعت وقت خود را وقف این ملت می کند کار میکند زحمت میکشد و معایب را بر طرف میکند او حق دارد انتقاد بکند و الا گفتن و تنقید کردن که اینجا خراب است و آنجا خراب است فایده ندارد همینطور که جناب آقای ساعد ضمن فرمایشاتشان فرمودند که

آقای دکتر بقائی خیلی از معایب و خرابکارها هست که شما نمیدانید و من که جزو دولت هستم چون وارد هستم میدانم و جناب عالی نمیدانید شاید یکپهزارم آنرا نمیدانید ولی اگر قصد اصلاح و تصداین است که بمملکت خدمت کرد باید تاس گرفت و بیغرض گفت و نتیجه خواست و آن در ظرف يك روز و دو روز نیست متأسفانه احساس میکنم که این آقای دکتر بقائی، اینطوری که فکر میکنند آتقدیرها هم خوش حساب تشریف ندارند آدم برای اینکه بتواند در پشت این تریبون مثل بنده عریضش را بگوید اینکه بنده ميگویم الحمدالله بيك شاهی بهیچکس مدیون نیستم باز هم خدا را شکر می کنم که از هیچکس هم طلبکار نیستم زندگی بسیار ساده من را تمام همکارانم میدانند تمام مردم میدانند (صحیح است) بدون هيچ نوع لوکسی زندگی میکنم ولی سرم بالاست و امروز در مقابل آقایان با کمال شرافت ایستاده ام برای اینکه کوچکترین لکه ای همانطور که گفتیم در زندگی من وجود ندارد و خدا را شکر میکنم و این برای من از بزرگترین موفقیتهای و افتخارات است و از خدا هم میخوام که بمن توفیق بدهد که این پیشگاه اعلیحضرت هایون شاهنشاهی و ملت ایران سرافراز باشم (نماینده گان- انشاءالله) ولی همانطوری که گفتیم حرفها وقتی گفته میشود شاید در مرحله اول یا دوم بيك اثری بکنند خیال میکنم که آقای دکتر بقائی که حقیقه ملت ایران از ایشان تشکر کرد که این فرمایشات را فرمودند ؛ اصولاً خاطر مبارکشان را آسوده کنم که هيچ همچو چیزی نیست این فقط فکر و خیال جناب عالی است و خاطر مبارکشان آسوده باشد که بهیچوجه من الوجوه اثری ندارد البته بيك عده بجناب عالی تبلیغ میکنند و کافجهائی میفرستند اینها از این اشخاصی هستند که شاخ در جیب شما میگذارند و میخوانند بوسيله جناب عالی اغراض پلید خودشانرا اجرا کنند و الا از جناب عالی که استاد دانشگاه هستید از جناب عالی که درس فلسفه میدهد بعقیده من باید بیشتر از آنها فیلسوف باشید و آدم فیلسوف بیشتر میکوشد و بیشتر دقیق میشود. بنده وزیر وزارتخانه ای هستم میآیند از صبح تا غروب اغراض شخصی دارند چیزهائی میگویند آن بر علیه این هزار جور حرف میزند اگر بنده مثل آقای دکتر بقائی مثل کوره آتش میشدم و با اصطلاح فرنگیها رآکسیون میکردم باید فردها را هم بریزم خیر اینطور نیست رسیدگی میکنم دقیق میشوم وقتی که برابم مجرزم و مسلم شد عمل میکنم و الا اگر مثل شما بهمه حرفهائی که میزنند ترتیب اثر بدهم این نمیشود و کاری از پیش نمیرود عرض کردم که آقای دکتر بقائی اینقدرها هم کم میگویند خوش حساب نیستید .

رئیس - آقای دکتر اقبال اینها را نخوانید .
دکتر اقبال - گزارش آخری است که میخوانم الان تمام میشود .
اعضای اهری - این قسمت را بگفید بهتر است .
دکتر بقائی - به چه فرمایشی است باید بخوانند
رئیس - خلاصه بفرمائید .

دکتر اقبال - خلاصه است تقدیم مقام ریاست میکنم بمذخودشان بخوانند .
دکتر بقائی - بخوانید بمد بدهید .
اعضای اهری - همینطوری که میفرمائید تقدیم مقام ریاست کنید .
دکتر بقائی - این حرفه بازی است اگر نخوانید من اعلان حرفه بازی میکنم (زنک رئیس)
دکتر اقبال - آقای امامی اهری گفتند نخوانید بنده هم گفتیم که تقدیم مقام ریاست میکنم عرض کنم که در راور کرمان بيك موقوفه ای هست که موقوفه بيك مدرسه ای است باسم مدرسه فخریه آقای دکتر بقائی چند سال است که متصدی آنجا هستند بنده فقط گزارشهای آنرا میخوانم و مرخص میشوم عرض کنم میبویسد اداره فرهنگ کرمان بشماره ۲۶۶۶۳ و ۷۳۳۹۹ بتاريخ ۲۲/۱۲/۲۲ اداره کل اوقاف (این را رئیس فرهنگ کرمان میبویسد بهتران) آقای مظفر بقائی فرزند مرحوم میرزا شهاب کرمانی متصدی رقبات وقفی فخریه راور که بقرار اطلاع کارمند وزارت متبوع است و محل اقامت او بر این اداره معلوم نیست از سال ۱۳۲۰ تا کنون برای تنظیم بودجه و اجرای سایر مقررات اوقافی حاضر نشده است مستدعی است مقرر فرمائید رسیدگی شود در صورتیکه شخص نامبرده کارمند وزارت متبوع است باواخطار فرمائید جهت اجرای مقررات اوقافی اقدام لازم بعمل آورد . رئیس اداره فرهنگ استان هشتم حسن مبرهن این کافغذ را برئیس اداره کل اوقاف آقای ملک زاده مینویسد : تاریخ ۱۴/۱۲/۲۲ اداره کار گزینی موافق گزارش شماره ۲۶۶۶۳ و ۲۳۳۹۹ (همان شماره است) مورخ ۲۲/۱۲/۲۲ اداره فرهنگ کرمان آقای مظفر بقائی فرزند مرحوم میرزا شهاب کرمانی کارمند وزارت فرهنگ میباشد متنی است دستور فرمائید تعیین نمایند (این را آقای ملک زاده مینویسد اداره کار گزینی وزارت فرهنگ دستور فرمائید تعیین نمایند در صورتیکه مشار الیه جزو کارمندان وزارت فرهنگ میباشد محل خدمت وی را معلوم باین اداره مرقوم دارند تا نسبت بموقوفاتی که تحت تصدی مشار الیه هست مطابق مقررات قانونی اقدام بعمل آید . رئیس اداره کل اوقاف ملک زاده . رونوشت پاسخ نامه شماره فلان جهت اداره فرهنگ کرمان فرستاده میشود . این یادداشتی است که آقای مدرس رئیس کل اوقاف وقت در تاریخ ۲۸/۱۲/۲۴ رئیس کل اوقاف با اداره اوقاف شهرستانها مینویسد .
اوقاف شهرستانها موقوفه مدرسه فخریه راور تصدی کیست بطوری که اطلاع رسیده است مدت ده سال است که بودجه آن تنظیم نشده و متصدی صورت حساب نداده است تحقیقات لازم در اینباب بعمل آوری . اداره کل اوقاف مینویسد بجناب آقای دکتر بقائی که رئیس فرهنگ بوده اند در آن موقع ، اداره کل اوقاف شماره اش را مینویسد بشماره ۱۵۷۰۱ مستقیم و محرمانه این شماره اش را هم یاد داشته فرمائید ، خیلی معذرت میخوام که محرمانه است بنده میخوانم آقای دکتر بقائی رئیس فرهنگ کرمان چون مطابق سابقه موجود در مرکز تصدی رقبات موقوفه فخریه در کرمان با شما است و از سال ۱۳۲۰ تا کنون ، این تاریخ همانطور که عرض کردم ۲۷/۱۲/۲۴ است این کافغذی است که آقای ملک زاده بجناب عالی نوشته است (دکتر بقائی - شماره اش چیست ؟) ۱۵۷۰۱ در تاریخ ۲۴/۱۲/۲۴ بعنوان

خودتان است (دکتر بقائی - ۲۴/۱۲/۲۴) بلی ۲۴۷۳۳ (دکتر بقائی - چون تاریخش را میخوانم تسجیل شود) چون مطابق سابقه موجود در مرکز تصدی رقبات موقوفه فخریه در کرمان با شماست و از سال ۱۳۲۰ تا کنون تنظیم بودجه و سایر مقررات اوقافی نسبت بموقوفه نام برده اجرا نشده و اکنون کر ریاست فرهنگ کرمان را شخصاعه دار میباشد اقتضا دارد مقررات اوقافی را نسبت بموقوفه نام برده مرعی و نتیجه را هم مرقوم دارید رئیس اداره کل او قاف ملک زاده این بيك کافغذی است که بيك شخصی بنام محمد سود مند راوری در تاریخ چهارم مهرماه ۱۳۲۵ بوزارت فرهنگ مینویسد ، راور بيكی از شهرستانهای جزو کرمان است و بيكی از مدارس آبرومند قدیم کرمان . بنام مدرسه فخریه راور آنجا است و سالی چندین هزار تومان عایدات دو ملک موقوفی این مدرسه است که چندین سال است آقای مظفر بقائی اینجوان تحصیل کرده تمام عایدات آنرا نه دیگر نمیخوانم (دکتر بقائی - نه بخوانید) نوشته میخورد تمام عایدات آنرا میخورد من معذرت میخوام و غریبتر آنکه بهیچوجه صورت حساب فرهنگ کرمان نمیدهد و فعلا هم این جوان (که جناب عالی هستید) با حقوق گرفتن از شرکت بیمه که در کرمان است حزب دمکرات تشکیل میدهد و بیمه کارگران را عملی میکند شما را بخدا از عایدات این موقوفه فخریه که برای مدرسه است و آقای بقائی بعنوان تصدی تمامی آنرا میخورد بيك مدرسه ابتدائی لا اقل بر راور علاوه بر فرماینده محمد سودمند راوری بتاريخ ۴ مهرماه ۱۳۲۵ خطاب بوزارت فرهنگ . این راهم با یادداشت بفرمائید ، فرهنگ شهرستانها شماره ۲۰۰۱۳ تاریخ ۲۵/۱۲/۲۴ اداره کل اوقاف عین نامه آقای محمد سود مند راوری راجع بموقوفه مدرسه فخریه بضمیمه فرستاده میشود خواهشند است هر گاه از عایدات موقوفه مزبور بتوان بتأسیس دبستان اقدام نمود مراتب را باین اداره اعلام فرمائید رئیس فرهنگ شهرستانها احمد راد ، این را آقای رئیس اداره کل اوقاف وقت که مدرسی هست مینویسد با اداره فرهنگ کرمان . اداره کل اوقاف شماره ۱۴۷۵۵ بتاريخ ۲۹/۱۲/۲۴ آقای رئیس فرهنگ کرمان تعقیب نامه شماره ۴۷۳ مورخ ۱۴/۱۲/۲۴ اینک عین نامه مورخ ۴ مهر ماه ۱۳۲۵ منسوب بامضای آقای محمد سودمند راوری که در خصوص موقوفه مدرسه فخریه راور و آقای مظفر بقائی بمقام وزارت معروض داشته با رونوشت نامه شماره ۲۰۰۱۳ فرهنگ شهرستانها ارسال میشود با کمال دقت بمندرجات نامه مزبور رسیدگی نموده و جریان کار و درآمد موقوفه و اینکه تا کنون مقررات اوقافی نسبت بان اجرا گردیده یا نه ضمن اعاده نامه آقای سودمند اظهار نظر صریح خود گزارش دهید رئیس اداره اوقاف مدرسی ، رونوشت در پاسخ نامه مورخ ۴ مهر ماه ۱۳۲۵ آقای محمد سودمند راوری ابلاغ میگردد رئیس اداره کل اوقاف مدرسی ، این کافغذ هم تحت شماره ۲۱۲۲۹ مورخ ۱۸/۱۲/۲۴ آقای رئیس اوقاف با اداره فرهنگ کرمان مینویسد عطف برونوشت نامه شماره ۱۵۱۰۱/۲۴ مورخ ۲۵/۱۲/۲۴ بضمیمه رونوشت نامه شماره ۲۰۰۱۳ مورخ ۱۸/۱۲/۲۴ اداره فرهنگ شهرستانها ارسال میشود ضمناً نسبت بموقوفه فخریه راور هنوز گزارشی

دوم بحث خارج شود . بدبختانه حسن استقبال جناب آقای ساعد و قبول نمودن استیضاحی که از جناب وزیر جنگ شده بود ، من را مکلف ساخت که موضوع استیضاح از جناب وزیر جنگ را تبدیل با استیضاح از دولت در کلیه مسائل داخلی بنمایم .

قبلا باید عرض کنم روزی که قبول نمایندگی را نموده و بکلام الله مجید در پشت همین تریبون در مقابل دنیا قسم یاد نمودم که تکالیفی را که بها رجوع شده است . با کمال راستی و درستی و جند و جهد انجام بدهم و با اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمایم و هیچ منظوری نداشته باشم جز قواعد و مصالح دولت و ملت ایران . وحشتی از دسته متملق و چایلوس نداشته و ندارم و آنچه وظیفه یک نفر نماینده ملت است بدون ترس و وحشت انجام خواهم داد .

اول موضوع تجدید نظر در قانون اساسی و نقائص آن .

باتمام این مصائب که از نظر هر کس مطابق مصلحت خودش نقصی در این قانون اساسی مشاهده میکنند . بعضی حقوق ملت را معتقدند که در قانون اساسی کاملاً محترم شمرده نشده ، بعضی معتقدند که برای دیانت و تربیت اخلاقی اصول بیشتری لازم بوده است اضافه شود ، اصول موجوده که یکی از آنها اصل دوم متمم

قانون اساسی است ، که برای آقایان قرائت میکنم :

اصل دوم - مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامه کثر الله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامی بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجود هم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیشگی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقههای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند باین طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس شورای ملی نمایند پنج نفر از آنها را یا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی باتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تاموازی که در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره وغوررسی نموده هر يك از آن

مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد شد .

بعضی این اصل و اصل اول را کافی برای انجام وظایف اسلامی ملت ایران ندانسته و معتقدند که باید اصول دیگری که کاملاً ملت ایران را در دنیا ملت مسلمان و عامل بتکالیف اسلامی معرفی کند اضافه شود و اعلی که ۰۰۰ (در این موقع جلسه از اکثریت افتاد) **۴- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه**

رئیس - تأمل بفرمائید اکثریت نیست ۰۰۰ الان ۲۱ ماه از دوره مجلس گذشته و مجلس کاری نکرده است فعلاً باید موضوع استیضاح آقایان باتمام برسد بعد اقلایك کاری انجام بدهیم یکی از کارهای لازم موضوع آئین نامه مجلس است که بعد از کار استیضاح يك همت و موافقتی بفرمائید شاید تمام شود فعلاً تنفس میدهم جلسه روز سه شنبه ساعت هشت و نیم .

(جلسه بیست دقیقه بعد از ظهر بمنوان تنفس ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - **رضا حکمت**